

بررسی کارکردهای احیاگرایانه مهدی باوری در اندیشه رضوی

روح الله شاکری زواردهی *

چکیده

بحث درباره کارکردها یا قلمرو دین در دنیای معاصر، از رشد بسیار زیاد و فزاینده ای برخوردار است. به رغم نگاه بدبینانه برخی مثل فروید، یا ژان پل سارتر، بسیاری از دین پژوهان رویکرد جدیدی به نام «رویکرد کارکرد گرایانه» نسبت به دین اتخاذ کرده‌اند. اینان بر کارکردهای مثبت دین تاکید می‌ورزند و دین را عهده دار رابطه فردی یا عبادی صرف نمی‌بینند؛ بلکه معتقدند که دین در همه حوزه زندگی بشر، نظیر مسائل تربیتی اخلاقی، حکومتی و اجتماعی، و معرفتی و... حضور جدی دارد و این امری است که به طور وضوح می‌توانیم در تمام آموزه‌های دین اسلام مشاهده کنیم؛ زیرا ارزشمندی آموزه‌های دینی در آینده فواید و کارکردهایشان قابل مشاهده هستند، و این را نسبت به مسائل و مباحث آخرالزمان و آینده بشری، یعنی مباحث موعود باوری در ادیان و مهدی باوری در اسلام می‌توان دید. در منابع مهم و اصیل آموزه‌های مهدوی می‌توان این کارکردها را به طرق مختلف دریافت کرد. نگارنده در این نوشتار در صدد این نیست که به همه این کارکردها به طور جامع و مستوفی بپردازد؛ بلکه مقصود این پژوهش آن است که به برخی از آنان که از اهمیت بیشتری برخوردارند، با تاکید بر اندیشه‌های عالم آل محمد ﷺ حضرت رضا علیه السلام به بحث بنشیند. بر همین اساس تلاش شده به برخی از کارکردهای مهم، مثل کارکردهای معرفتی، تربیتی اجتماعی، سیاسی و مدیریتی، تاریخی، اشاره گردد. البته در تحلیل و بررسی‌ها، همه آنان از اعتبار یکسان برخوردار نیستند؛ بلکه برخی جنبه مقدمی داشته، و برخی دیگر از اصالت و ویژگی خاص برخوردارند (همان‌طور که لابه‌لای بحث روشن خواهد شد). نتیجه مهم این کارکردها در مجموع باعث ظهور حق و غلبه آن بر باطل در کل نظام هستی خواهد شد. کلیدواژه‌ها: مهدی باوری، کارکردها، ظهور حق، اندیشه رضوی.

طرح مسأله

فرایند عینی اعتقاد به مهدویت، افراد جامعه، چه معتقدان و چه غیر معتقدان را متأثر می‌سازد؛ زیرا با توسعه روز افزون قلمرو اندیشه بشر در همه حوزه‌های فکری، فرهنگی؛ حتی اعتقادی باعث شده است که انسان‌ها نسبت به آینده جهان دغدغه داشته باشند. ممکن است در حیطة رفتاری، ابتدا حرکتی مشاهده نشود؛ ولی بعد از شکل‌گیری بینش نجات‌خواهی در درون افراد، قهراً این بینش در حیطة رفتاری نیز نمودهایی را در پی خواهد داشت و در عرصه فردی متوقف نخواهد شد و آرام آرام تأثیرهای اجتماعی موعودباوری در لایه‌های جامعه سرایت خواهد کرد.

البته ما معتقدیم این بینش و نگرش در ادیان، بویژه ادیان ابراهیمی، از جایگاه و اصلاتی ویژه برخوردار است و در طول تاریخ باعث کنش‌های رفتاری فرد و اجتماعی پیروان آنان شده و سالیانی متممادی در قرون مختلف آنان را در انتظار طلوع موعود منجی قرار داده است. این دغدغه بشر تا آن اندازه جدی است که اندیشمندان مختلف به طرح ایده‌های آرمان شهرها و مدینه فاضله‌ها پرداخته‌اند و این امر به زمانی خاص محدود نمی‌شود؛ بلکه بشر در طول قرون گذشته بی‌تاب از بی‌عدالتی‌ها، ظلم‌ها، تبعیض‌ها، تشنه اندیشه‌ای است که روند موجود را تغییر دهد؛ زیرا انسان از وضع موجود خودش راضی نیست و در تلاش برای دگرگونی وضعیت موجود، به دنبال ایده‌ای نو و جدید است، که آرمان‌های درونی و بی‌قرار خود را در ساحل نجات به آرامش رساند.

اسلام، به عنوان آخرین دین الهی به این خواسته بشر با طرح مسأله «مهدویت» و «مهدی باوری» توجه ویژه نموده است. با نیم‌نگاهی به منابع متعددی که در این زمینه وجود دارد، می‌توان به استراتژی یا راهبرد انتظار در دین مبین اسلام توجه کرد. اگرچه همه فرق مسلمان به این مسأله معتقدند و روایات فراوانی را در این زمینه از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل نموده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد تفکر شیعه اثنی عشری در این زمینه منحصر بفرد است؛ زیرا مهدی باوری در اندیشه شیعه صرفاً به عنوان یک منجی آخرالزمان دیده نشده است؛ بلکه او امام و حجت خدا در زمین و او استمرار دهنده خط نبوت و امامت در پهنه گیتی است. او

راهبر جامعه فعلی و آینده است. آینده او را در تئوری‌های ذهنی و مباحث نظری به نظاره نمی‌نشینیم؛ بلکه او حاضر و زنده و در کنار ماست: «... صاحب هذا الامر یتردد بینهم و یمشی فی اسواقهم و...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ص ۱۵۴ و نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۸۴)؛ و این مطلبی است که صدها روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به آن اشاره دارند و در این مورد جای هیچ‌گونه بحثی نیست.

سؤال جدی این است که آیا اعتقاد به مهدویت در تفکر اسلامی به طور عام، و مهدی باوری به طور خاص، در اندیشه شیعه دارای کارکردی است یا نه؟

در این نوشتار در تلاش هستیم که این سؤال را با تأکید بر اندیشه رضوی پاسخ دهیم، و کارکردهای مختلف مهدی باوری را با تحلیل و کنکاش بیش‌تر به بحث و گفت‌وگو بپردازیم؛ زیرا در راهبرد و استراتژی شیعه سه اصل مسلم مورد دقت قرار گرفته است:

یک: مطلوب نبودن وضع موجود و ضرورت تغییر آن؛ دو: نگاه ویژه به جامعه مطلوب مهدوی بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات؛ سه: برنامه ریزی برای برون رفت از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب.

به نظر ما در سایه این برنامه ریزی می‌توان به کارکردهای مهدی باوری، توجهی ویژه صورت داد و پیامدهای مثبت آن را به نظاره نشست. لذا هدف اصلی این مقاله، تحلیل و بررسی کارکردهای مهدی باوری از نگاه امام رضا علیه السلام می‌باشد؛ زیرا حضرت ثامن الحجج از امامانی است که به مسأله مهدویت توجهی ویژه داشته‌اند و با روایات متعدد به تبیین وقایع آخرالزمان و به کیفیت ظهور فرزندش، امام مهدی علیه السلام پرداخته‌اند؛ از جمله ولادت، اوصاف، شمایل، بشارت‌های کتاب‌های آسمانی، حوادث و فتنه‌های که قبل از ظهور رخ خواهد داد، غیبت و وضعیت مؤمنان در دوران غیبت، وظایف شیعه در عصر غیبت، چگونگی ظهور حضرت، یاران و همراهان امام مهدی علیه السلام و پاک شدن زمین از لوث ستمکاران، بسط و گسترش عدالت، ضرورت وجود حجت در میان مردم و خالی نبودن زمین از حجت الهی (شاکری، ۱۳۸۹، صص ۵ - ۶). در ادامه بحث به گوشه‌هایی از روایات پرداخته و می‌توان از لا به لای بیانات حضرت به کارکردهای این روایات مهدوی رسید.

کارکرد

«کارکرد»، ترجمان «واژه فونکسیون» (Function) است که در سلسله مباحث جامعه‌شناسی، وقتی به دین نسبت داده می‌شود، مقصود معنای عام آن است که شامل خدمات، غایات و اغراض، آثار و تبعات پنهان و آشکار، مقصود و غیر مقصود دین به جامعه می‌شود که قوام، بقا و تعادل آن را در پی دارد (قراملکی، ۱۳۸۲: ص ۱۶۲، به نقل از اسکیدمور، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ص ۱۴۲).

اما در حوزه مهدی پژوهی در این تحقیق، مقصود از کارکرد مهدویت، مطلق خدمات و آثار مهدی باوری به جامعه بشری است. بواقع منظور، از کارکرد مهدی باوری این است که این اعتقاد در انسان یا جامعه چه اثر و نقش و تحولی را ایجاد می‌کند.

بحث کارکرد، از مباحثی است که به طور گسترده در میان متکلمان با عناوین فواید، و یا آثار ایمان و پیامدها مطرح بوده است؛ اما در دو سده اخیر، طرح مباحثی در خصوص کارکردهای علوم گوناگون، مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، برای کارکردهای دین بدیل و رقیب مطرح شد و دین پژوهان با نگاهی جدید موضوع را تحلیل کردند؛ از این لحاظ می‌توان مدعی شد که بحث کارکرد دین و امکان رقابت با آن، مسأله جدید کلامی است. به هر حال، همان‌طور که کارکرد دین در عرصه‌های فردی و اجتماعی را شاهدیم، آموزه مهدویت به عنوان باوری اعتقادی، هم کارکرد فردی دارد و هم کارکرد اجتماعی. در ادامه مقاله بدان می‌پردازیم.

مهدی باوری

«اعتقاد»، بنیان اصلی زندگی انسان است و آنچه در میدان عمل محقق می‌شود، به ساختار اعتقادی او مربوط می‌گردد. اگر شخص از اعتقادی صحیح و منطقی برخوردار باشد، در عمل، به تناقض، بی‌هدفی و سردرگمی گرفتار نخواهد شد و از همه فرصت‌های عمر، برای ساختن شخصیت انسانی و الهی اش بهره خواهد گرفت. البته این اعتقاد در حوزه مهدویت، باید سازنده، حرکت آفرین و هویت بخش باشد و در همه فراز و نشیب‌های زندگی، مسیر درست و هموار را برای آدمی بگشاید. منظور ما از مهدی باوری، یعنی اعتقاد به نهضت حتمی رهبری

آسمانی، از دودمان پاک نبوی که پیش از پایان جهان، برای نجات آدمیان و تجدید حیات مادی و معنوی آنان، به پاخاسته، بر پهنه زمین چیره می‌گردد. او که «مهدی» لقب دارد، با ایجاد حکومت واحد جهانی، سراسر گیتی را در پرتو تعالیم عدل گستر اسلامی اداره می‌کند، و تباهی‌ها، نابرابری‌ها، بیدادگری‌ها و نابسامانی‌ها را ریشه کن می‌سازد. این باور در اندیشه شیعه امامیه از جایگاه بسیار رفیعی برخوردار است؛ زیرا مهدی باوری دارای پشتوانه عقلی و نقلی می‌باشد.

کارکردهای مهدی باوری

با توضیحاتی که در خصوص مفاهیم کلیدی مقاله ارائه دادیم، به کارکردهای پدیدار شناسانه از مهدی باوری با تکیه بر آموزه‌های رضوی می‌پردازیم. قابل ذکر است آنچه از کارکردها در این قسمت ذکر شده است، به جهت اهمیت و کلیدی بودن، در فهم این آموزه است و شاید کارکردهای دیگری متصور باشد و طبعاً کارکردها به موارد ذکر شده منحصر نیست.

یک) کارکردهای معرفتی

شیخ صدوق در این باب، دو روایت از امام رضا علیه السلام در کتاب عیون اخبار آورده است: یکی از رسول مکرّم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمودند: «هر کس بمیرد و برایش امامی از فرزندان من نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است و به آنچه در جاهلیت و اسلام عمل کرده است، مواخذه می‌شود» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۵۸).^۱ امام رضا علیه السلام در جای دیگر در ضمن مطالبی به مأمون عباسی چنین مرقوم فرمودند: «کسی که بمیرد و آنان [امامان] را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است» (همان: ص ۱۲۰)؛ و ده‌ها نقل به همین مضمون در منابع روانی فریقین آمده است. حال جای این سؤال وجود دارد که چگونه عدم معرفت به امام در زمان حیات و زندگی با مرگ در جاهلیت مساوی تعریف می‌شود؟

برای تبیین مرگ جاهلی لازم است مطالب ذیل را مورد توجه قرار دهیم:

۱. «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة».

الف. مرگ جاهلی، نشانه زندگی جاهلانه است؛ چرا که مرگ عصارهٔ حیات است. آن که خوب زندگی می‌کند، نیکو می‌میرد و هر که در بدی و جهل به سر می‌برد؛ مرگ بد دارد؛ زیرا مرگ جز چشیدن عصاره زندگی نیست.

ب. زندگی جاهلانه مفهومی کلی است که مصادیق و مراتب متفاوتی دارد؛ از مراتب سطحی و ضعیف تا عمیق. دوره ای در زندگی عرب پیش از اسلام که از آن به دوران جاهلیت یاد می‌شود، سطح نازل آن است (نهج البلاغه، خطبه ۲۶).^۱

ج. در فرهنگ قرآن، معیار حیات جاهلانه یا زیست عاقلانه، پیشرفت در صنعت یا برخورداری از رفاه و ابزار زندگی تجملی نیست. قرآن کریم اقوامی را معرفی می‌کند که با وجود برخورداری از پیشرفت‌های شگرف صنعتی و بهره‌مندی از رفاه زندگی اجتماعی، تا بدان پایه از جاهلیت پیش رفتند که مستوجب عقاب الهی و حرمان از رحمت خداوند شدند و سرانجام به هلاکت رسیدند. قوم عاد و ثمود و اصحاب حجر نمونه ای از این مردمانند. قوم عاد با این که در صنعت شهرسازی بی‌نظیر بود، حیاتی جاهلانه داشت؛ همان طور که امپراتورهای ایران و روم را که نماد رفاه و تمدن آن روزگار بودند، صاحب حیاتی جاهلانه می‌داند.^۲

د. مرگ جاهلی نشان از حیات جاهلانه دارد و زندگی جاهلی در فرهنگ وحی همسان مرگ است و قرآن کریم کسانی را که جاهلانه می‌اندیشند، زنده نمی‌داند: «لینذر من كان حيا و يحقّ القول على الكافرين» (یس: ۷۰). خدای سبحان در این آیه، زنده و کافر را مقابل هم قرار داده نه مومن و کافر را، گویا بر این باور است که انسان یا زنده است، یا کافر. بر این پایه، در فرهنگ وحی، کافر مرده است و از آن جا که قرآن کریم، در برابر کافر عنوان زنده و

۱. «و انتم معشر العرب علی شر دین و فی شر دار، منیخون بین حجارة خُشْن و...».

۲. قرآن در سوره فجر آیات ۸-۱ به وصف شهرسازی قوم عاد می‌پردازد؛ آن جا که می‌فرماید: «ارم ذات العماد * التي لم یخلق مثلها فی البلاد» و در مورد قوم ثمود می‌فرماید: «و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد» (فجر: ۹) و در مورد اصحاب حجر می‌فرماید: «و کانوا ینجتون من الجبال بیوتاً امنین» (حجر: ۸۲).

در برابر زنده عنوان کافر را به کار گرفته است، روشن می‌شود که در نگاه قرآن، کافر در حقیقت مرده است و حیات حقیقی تنها از آن اهل ایمان است. این تقابل گرچه به حسب ظاهر مستبعد می‌نماید، در واقع هرگز استبعاد ندارد؛ بلکه از منظر روان‌شناختی و سعه وجودی، ایمان با زندگی، و کفر با مردگی مرزهای مشترکی دارند؛ بلکه منطبق هستند.

همان‌گونه که به مرگ جاهلی از دنیا برود، جاهلانه زیسته است و هر که جاهلانه زندگی کند، از حیات حقیقی بهره ندارد. کسی که امام عصر علیه السلام خویش را نشناسد و در پرتو خورشید ولایت او قرار نگیرد، زندگی جاهلانه دارد و از حیات انسانی تهی است، گرچه از حیات حیوانی بهره دارد؛ همان‌طور که اگر فردی عالماً و عامداً در برابر حقانیت و حقیقت قرآن خضوع نکند و آن را نپذیرد و کلام الاهی را نشناسد، در فرهنگ قرآن، مرده خوانده می‌شود. کسی که با امام زمان خویش رابطه و لوی بر قرار نسازد و ولایت امام زمان خود را نشناسد یا آن را بر نتابد؛ حقیقتاً مرده است و هرگز از زندگی قرآنی که با حیات و لوی هماهنگ است، بهره‌ای ندارد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: صص ۳۰ - ۳۶). با توجه به مطالب مذکور می‌توان پیامدهای کارکرد معرفتی مهدی باوری را به شرح ذیل بیان کرد:

۱. زمین لحظه‌ای از حجت خدا خالی نیست (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۷۹).^۱
۲. وجود همه جمادات، نباتات و حیوانات و بویژه انسان‌ها، مدیون وجود حجت الاهی است و اگر حجت خدا نبود، ممتنع بود که حتی گیاهی از زمین رویش پیدا کند.^۲
۳. قبول اعمال به پذیرش ولایت اهل بیت مشروط است. اعمال افراد، بدون ولایت عملی مورد قبول واقع نخواهد شد.^۳
۴. حجت خدا در زمین واسطه فیض الاهی است و این بر سنتی الاهی مبتنی است.^۴

۱. قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «لَوْ خَلَتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حِجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا».
 ۲. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «و بنا ینشر الرحمة و تخرج برکات اهل الارض...».
 ۳. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لا یقبل الله من العباد عملاً الا بمعرفة».
 ۴. دعای عدیله: «بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبت الارض و السماء»؛ و یا زیارت جامعه کبیره: «بکم فتح الله و بکم یختم و...».

۵. شناخت امام و حجت خدا، شناخت خلیفه الهی است.^۱
۶. امام مهدی عدل قرآن و مصداق ثقل اصغر است و مثل قرآن معادل ندارد (نهج البلاغه، خطبه ۲).^۲
۷. شناخت امام مهدی مستلزم توفیق الهی است و اگر توفیق شناخت حاصل نشود، در گمراهی و ضلالت خواهد بود.^۳

دو) کارکرد اخلاقی - تربیتی

اسلام دین اخلاق و تربیت است و سیره تربیتی و اخلاقی پیامبر ﷺ مؤید این نکته است. بدان جهت این سیره و شیوه، بارها در قرآن مورد ستایش قرار گرفته است^۴ و پیامبر ﷺ دارای رفیع ترین سیره فردی و اجتماعی بود. ائمه علیهم السلام هم به عنوان خلفا و جانشینان پیامبر ﷺ با همین ویژگی اخلاقی در میان مردم شناخته می شدند. حال سؤال این است که آیا اعتقاد به مهدویت و باور به آن می تواند چنین کارکرد اخلاقی - تربیتی را داشته باشد یا نه؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: اولاً خود امام مهدی عنصری اخلاقی است؛ چنان که پیامبر در مورد ایشان فرمودند: «اشبه الناس بی خلقاً و خلقاً» (صدوق، ۱۴۰۵: ص ۲۸۷). یعنی امام مهدی همانند پیامبر از ویژگی های اخلاقی ممتازی برخوردار است. لذا در بعد الگو و اسوه بودن، همان قدر که قرآن کریم در مورد رسول خدا ﷺ تأکید دارد؛ حضرت مهدی علیها السلام هم الگو و اسوه است. بدون شک کارکرد اخلاقی - تربیتی باور به مهدویت را بایستی با این دید نگریم.

ثانیاً - برای بررسی کارکرد اخلاقی - تربیتی باور به مهدویت، نیاز است که نسبت به مسأله انتظار نگاهی درست و دینی و منطقی داشته باشیم؛ زیرا اگر انتظار مثبت و سازنده باشد، طبعاً دارای پیامدهای مثبت اخلاقی خواهد بود و اگر انتظار منفی مورد نظر باشد، قهراً

۱. «پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند: «یخرج المهدي و علی رأسه غمامة فیها مناد ینادی هذا المهدي، خلیفة الله فاتبعوه».

۲. «لا یقاس بأل محمد من هذه الامة احد».

۳. «... اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی».

۴. آیاتی نظیر «انک لعلی خلق عظیم» و: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» و

بازتاب منفی داشته و بر روی ارزش‌های اخلاقی بشر آثاری مخرب خواهد گذاشت. امام رضا علیه السلام در روایاتی چند به این مسأله پرداختند؛ آن‌جا که فرمودند: «آیا می‌دانی که انتظار فرج، جزئی از فرج است؟» گفتم: نمی‌دانم، مگر این که شما به من بیاموزید. فرمود: «آری؛ انتظار فرج، جزئی از فرج است.» (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۵۹ و مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ص ۱۳۰). یا در روایت دیگر فرمودند: «چه نیکوست صبر و انتظار فرج! آیا سخن بنده صالح خدا [ظاهراً شعیب علیه السلام] را نشنیدی که فرمود: انتظار برید که من هم با شما منتظرم. پس، منتظر باشید که من با شما از منتظرانم؟ بر شما باد به صبر و بردباری؛ چرا که گشایش پس از ناامیدی فرا می‌رسد و به تحقیق کسانی که پیش از شما بودند، از شما بردبارتر بودند» (عطاردی، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۱۷)؛ و روایات دیگر.

دو نکته کلیدی در بیانات نورانی حضرت رضا علیه السلام وجود دارد و آن عبارت است از:
اول: این که انسان بدون داشتن انتظار واقعی و مثبت، انتظار فرج و گشایش برایش ممکن نیست؛ زیرا حضرت می‌فرماید: «انتظار فرج، جزئی از فرج است»؛ یعنی فرج بدون انتظار مثبت تحقق پذیر نیست و کلید گشایش امور، انتظار مثبت است.
دوم: مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل برای ثمر دهی انتظار، صبر و بردباری است، و این باعث تداوم انتظار در انسان می‌شود. اگر انسان منتظر این ارزش اخلاقی را نداشته باشد، نباید برای برآورده شدن انتظارش توفعی داشته باشد. پس، بواقع انتظار امام عصر علیه السلام به معنای ارتقا دادن ارزش‌های اخلاقی جامعه و بالا بردن ظرفیت‌های تربیتی افراد است.
نکته مهم این است که انحراف و ناهنجاری، در زندگی بشر دارای سابقه‌ای دیرینه است. در قرآن، آمده است که فرشتگان، آفرینش موجود زمینی را مایه خونریزی و فساد در زمین می‌دانستند (بقره: ۳۰)؛ به گونه ای که پس از هبوط حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام به زمین، تاکنون شاهد انواع جنایت، فساد، تباهی و انحراف هستیم. از سوی دیگر، پروردگار حکیم هنگام خلقت بشر، خوب و بد را به نفس او الهام کرد: «فاله‌مها فجورها و تقویها» (شمس: ۸).
خداوند در عین این که انسان را به وجدان و فطرت منتعم کرد، رسولانی را برای او فرستاد تا به واسطه آنان، سعادت دنیا و آخرتش را در دفتری به نام «دین» در دست وی قرار دهد و

انسان بتواند رفتار فردی و اجتماعی خویش را سامان بخشد (مریجی، ۱۳۸۲: صص ۳ - ۵)؛ اما برخی از بنی آدم به جای لبیک گفتن به ندای باطنی و فطری خویش، از نفس اماره پیروی کرده و راه انحراف را پیمودند. در این صورت دین افراد متزلزل شده و آنان نمی‌توانند سعادت و کمال خود را تضمین کنند. از این رو، کنترل رفتار فردی و اجتماعی انسان‌ها، و مراقبت بر آن، امری ضروری است. بنابراین، خداوند علیم و حکیم، دستورها و قوانین خاصی را بیان فرموده است تا افراد جامعه بر یکدیگر نظارت کنند. راه کارهای دینی کنترل اجتماعی، همواره آثار چشمگیر خود را در زمینه مهار جرم و کج روی بر جا نهاده و توجه متفکران علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است (سلیمی، ۱۳۸۰: ص ۶۹۲).

انتظار فرج، یکی از آموزه‌های دینی به شمار می‌آید که در کنترل ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی و بویژه اصلاح جامعه دارای نقش مهمی است و در واقع برای پاک شدن، پاک زیستن، پوشش همیشگی همراه با خودسازی، ساختن دیگران و زمینه سازی برای ایجاد یک مدینه فاضله مهدوی نوعی آمادگی به حساب می‌آید (داوودپور، ۱۳۸۵: ص ۲۷۸).

«انتظار، حالتی است نفسانی که آمادگی برای آن چه انتظارش را می‌کشیم از آن برمی‌آید. یأس و ناامیدی ضد انتظار است. هر قدر که انتظار شدیدتر باشد، آمادگی و مهیا شدن قوی‌تر خواهد بود...» (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۱۵۲).

رشد و توسعه ارزش‌های اخلاق فردی و اجتماعی و تکامل تربیت انسانی در جهان امروز، زمانی شکل می‌گیرد که اندیشه موعود باوری به طور عام و مهدی باوری به طور خاص در زندگی امروزین ما نهادینه گردد تا وعده الهی، که همان «کامل به اخلاقهم» است (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ص ۴۸۲)، محقق شود؛ زیرا بر اساس آموزه‌های مهدوی، انسان، محور اصلی برنامه ریزی‌ها، قوانین، علوم و دیگر مسائل جامعه بشری است. اصلاحات و تحولات و انقلاب‌ها، نخست باید از درون انسان آغاز گردد و سپس به برون جامعه سرایت کند. اقتصاد، سیاست، جنگ، صلح، اخلاق، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، خوشبختی و بدبختی، ایشار و خودخواهی، نظم و بی‌نظمی و... همه و همه به انسان باز می‌گردد. بهترین برنامه‌ها و آموزش‌ها، باید به دست انسان‌های شایسته اجرا شود و گرنه سودی نمی‌بخشد و تحولی

نمی‌آفریند. بهترین قوانین، بهترین مجریان را می‌طلبد؛ از این رو ساختن انسان و پرورش آن و تربیت اصولی و اساسی افراد انسان، مقدمه اصلی تشکیل هر نظام صالح و انسانی بویژه مدینه فاضله مهدوی است (حکیمی، ۱۳۷۴: ص ۲۰۵).

با توجه به توضیحات مذکور می‌توان موارد ذیل را به عنوان پیامدهای کارکرد اخلاقی-تربیتی مهدی‌باوری بیان کرد:

۱. آمادگی شناختی از مقوله انتظار، برای تحقق وعده بزرگ الهی (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۱۹۸).^۱

۲. ایجاد آمادگی عاطفی در خویش نسبت به خواسته‌های مطرح از ناحیه منتظر که مودت و دوستی امام را به همراه خواهد داشت و دل انسان را از عشق و محبت به حضرت سرشار خواهد کرد.^۲

۳. حرکت برای تحول بزرگ اجتماعی، به انسان خود ساخته نیاز دارد؛ انسانی که تربیت یافته نباشد نمی‌تواند با امام خود همراه گردد؛ زیرا مهدی‌باور، کسی است که نه تنها از حیث نظر به این اعتقاد دست یافته باشد؛ بلکه تلاش دارد به آنچه در عرصه نظری بدان ایمان پیدا کرده است، در صحنه عمل و رفتار حاکمیت بخشد. چنین شیعه‌ای مورد غفلت امام خویش واقع نمی‌شود (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۴۵۴).^۳

۴. همراهی با امام، همراه شدن با رسول و خداوند متعال است و وقتی انسان با خدا همراه شد، از غیرش بی‌نیاز خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۳، ص ۱۷۸).^۴

۵. امام فقط ولی و حجت خدا نیست؛ بلکه از نظر اخلاقی برای منتظر، دوست مهربان و

۱. «اعرف امامک فانک اذا عرفته لم یضرك، تقدم هذا الامر او تأخر».

۲. «بمواالاتکم علمنا الله معالم دیننا و اصلح ما کان فسد من دینانا» (مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره).

۳. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «ولایغیب عننا احد من شیعتنا».

۴. امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «... لان الله معنا فلا فاقه بنا الی غیره و الحق معنا فلا یوحشنا من قعد عنا».

برادری شفیق است (حرانی، ۱۴۰۴: ص ۳۲۴).^۱

۶. امام در فراز و فرود زندگی همراه و شریک در غم و شادی منتظر خود، است (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۴۵۴).^۲

سه. کارکرد اجتماعی

زندگی اجتماعی انسان به دو چیز قوام پیدا می‌کند که نمی‌توان هیچ‌یک را نادیده گرفت: یکی وجود قانون خوب در جامعه است و دیگر حکومتی که وظیفه اصلی آن، اجرای صحیح قانون باشد. لذا نظریه پردازی برای حکومت‌ها و جوامع بشری زمانی موفق خواهد بود که این دو عنصر را در قوام جامعه بشری مورد نظر قرار دهد؛ زیرا هر گروهی در پی به دست آوردن حکومت برای وضع قانون دلخواه خود و اجرای آن براساس اهداف خویش است. اندیشه‌ای موفق و کار آمد است که بتواند در هر دو عرصه مهم اجتماعی حضور جدی داشته باشد. اسلام عزیز در این زمینه، در مقایسه با سایر ادیان توفیق خوبی داشته، به طوری که ژان ژاک روسو در این زمینه می‌گوید: «حضرت محمد ﷺ در این باره براساسی نظرات دقیقی داشت و نظام سیاسی استوار و پای برجایی را پی ریزی نمود که... پیوسته در پرتو حکومت جانشینانش استمرار یافت. در این نظام فقط یک حکومت برقرار بود که همه امور اجتماع را سرپرستی می‌نمود» (یوسفیان، ۱۳۹۰: ص ۱۸۵). این استمرار حکومت براساس مبانی تفکر امامیه به امر الهی بوده و همواره باید تداوم داشته باشد تا به آخرین جانشین پیامبر ﷺ که امام مهدی ﷺ است، سپرده شود. البته در بحث کارکرد اجتماعی مهدی باوری بایستی دو جامعه قبل از ظهور و بعد از ظهور از یکدیگر تفکیک کنیم؛ زیرا جامعه، پیش از ظهور به انحطاط اجتماعی آمیخته و دارای مشکلات متعدد فکری، فرهنگی است؛ به طوری که در این آشفته بازار بی‌اعتمادی، دینداری مردم در معرض خطر جدی است، و این را می‌توان در سیمای احادیث وارده از امام رضا ﷺ به وضوح مشاهده کرد:

۱. امام رضا ﷺ فرمود: «... الامام الامین الرفیق، و الاخ الشقیق و...».

۲. امام رضا ﷺ می‌فرماید: «ما من شیعتنا و لایعتنم الا ائمتنا لغمهم، و لا یفرح الا فرحنا لفرجه».

امام رضا علیه السلام در ضمن روایات اوضاع جوامع پیش از ظهور را چنین توصیف می‌کند:

۱. نگرانی مؤمن در عصر غیبت از ظهور بدعت‌ها:

امام رضا علیه السلام فرمودند: «زمانی بر مردم می‌آید که قلب مؤمن از درونش آب می‌شود؛ همان‌طور که مس در آتش آب می‌شود و این نیست جز به خاطر بدعت‌هایی که در دین مشاهده می‌کند و نمی‌تواند آن‌ها را تغییر دهد (طوسی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۳۲).

۲. کم و اندک بودن مؤمنان خالص:

امام رضا علیه السلام فرمودند: «به خدا قسم، آنچه به سوی آن چشم دوخته‌اید، تحقق پیدا نمی‌کند تا آنکه آزمایش و امتحان شوید و خالص و ناخالص جدا شود و جز اندک و خیلی اندک از شما بر دین باقی نماند» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۱۶).

۳. از دست رفتن اعتماد بیش‌تر مردم، و انکار وجود حضرت:

در زمان غیبت، گفته می‌شود که او [امام مهدی علیه السلام] مرده یا کشته شده و یا معلوم نیست به چه راهی رفته است» (مفید، بی‌تا: ص ۳۵۶). یا در روایت دیگری امام رضا علیه السلام فرمود: «... [آن قدر غیبت طولانی خواهد شد] تا آن که گفته شود: غایب گردیده و از دنیا رفته است و برخی می‌گویند امامی نیست...» (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۵۱).

تمامی روایات مذکور که از وجود حضرت رضا علیه السلام به ما رسیده است، نشان می‌دهد که دوران پیش از ظهور دورانی پر تلاطم و بی‌ثبات و پر از خطر و ناامنی و هرج و مرج اجتماعی است؛ به طوری که جوامع بشری از حکومت‌های فاسد و ناسالم و قوانین ظالمانه رنج می‌برند. بنیان‌های خانواده سست گردیده و روابط عاطفی انسان‌ها به سردی تبدیل شده است. گسترش فساد اخلاقی در جامعه، همه ارزش‌های اخلاقی دوران پیش از ظهور را تهدید می‌کند، و گاهی این امور ناهنجار در جامعه به هنجار و ارزش تبدیل می‌شود!

در چنین شرایطی، اعتقاد به مهدی باوری می‌تواند منشأ دگرگونی و تحول اجتماعی گردد؛ زیرا بشر از روزی که پای در زمین نهاد، پیوسته در تکاپوی زندگی اجتماعی مطلوب و توأم با سعادت بوده است و اگر این امر تحقق خارجی نداشت، هرگز چنین امیدی در نهاد وی

نقش نمی‌بست. این اعتقاد همیشه ما را در عرصه‌های مختلف زندگی، بویژه عرصه‌های اجتماعی حمایت خواهد کرد و می‌تواند بستر ساز تغییر و تحول اجتماعی گردد و این تلاش وظیفه‌ای است همگانی؛ همان‌گونه که حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «هر کس در دوران غیبت او [مهدی] قرار گرفت، باید تمام تلاشش این باشد که دین خود را به هر قیمتی حفظ کند و آن را رها نکند و به آن پایبند باشد» (همان).

بیش‌ترین تحول را در دوران بعد از ظهور می‌توان نظاره کرد؛ زیرا با مدینه ای با مختصات خاص که اصلاً با دوران قبل از ظهور قابل مقایسه نیست، مواجه‌ایم. در این جا به برخی آثار و پیامدهای اجتماعی مهدی باوری بعد از ظهور در نگاه امام رضا علیه السلام می‌پردازیم:

۱. اقامه عدل و داد بر گیتی و زدودن ظلم و ستم از آن

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «یطهر الله به (القائم علیه السلام الارض) من كل جور و یقدّسها من كل ظلم... فاذا خرج وضع میزان العدل بین الناس، فلا یظلم احدٌ احداً...؛ خداوند زمین را به دست قائم علیه السلام از هر ستمی پاک گرداند، و از هر ظلمی پاکیزه سازد... آن‌گاه که خروج کند، میزان عدل را در میان مردم نهد، و بدینگونه هیچ کس به دیگری ستمی نمی‌کند» (همان: ج ۲، ص ۳۷۲).

جمله «میزان عدالت میان مردمان نهاده می‌شود» نکته ارزشمندی را در بر دارد، و آن مشخص شدن حد و مرز و چارچوب عدل و عدالت است. اصول و حد و مرز عدل و عدالت در پاره ای از کلیات امور برای بشر روشن است؛ لیکن حد و حدود آن در بیش‌تر مسائل به طور دقیق مشخص نیست. یکی از مشکلات عمده در راه بشر همین روشن نبودن معنا و مفهوم عدالت و عدل و حد و مرزهای آن است و هر گروه و مکتبی عدالت را به گونه ای خاص تفسیر می‌کند.

کلام والای امام رضا علیه السلام به همین موضوع اشاره دارد؛ یعنی در دوران ظهور، میزان و معیار شناخت عدالت مشخص می‌گردد و به دست مردمان داده می‌شود و همگان از اصول و فروع عدل در روابط اجتماعی و رفتار فردی آگاه می‌گردند. در پرتو شناخت دقیق حوزه و مفهوم عدالت و در دست داشتن میزان عدل، زمامداران وظیفه خویش را روشن می‌شناسند، و

مردمان نیز رفتار فردی و گروهی خویش را تصحیح می‌کنند، و به اصول عدالت گردن می‌نهند (حکیمی، ۱۳۷۴: صص ۴۳-۴۴)؛ و این، همان خاستگاه اصلی تصحیح روابط اجتماعی و سامانیابی جامعه است؛ چون عدالت در تارپود جامعه نفوذ می‌کند؛ آن‌گونه که در نقل آمده است: «مهدی، عدالت را همچنان که سرما و گرما وارد خانه می‌شود، وارد خانه‌های مردمان می‌کند و دادگری او همه جا را بگیرد.» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۳۶۲).

۲. آباد کردن زمین و گسترش رفاه

اگر عدالت در میان مردم «میزان» قرار گیرد، عمران و آبادی زمین و بهره برداری از امکانات تا سر حد امکان محقق خواهد شد. طبق نظر بیش‌تر متخصصان، بسیاری از زمین‌ها قابل عمران و آبادی و کشاورزی و تولید است و بسیاری از آب‌ها استعداد ذخیره شدن و بهره برداری را دارد، و بسیاری از مناطق زمین متروک و رها شده مانده است. در عصر ظهور تمامی این استعدادها به ظهور و بروز می‌رسد (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۳۷۲).

۳. تقسیم عادلانه ثروت

در این زمینه باید به دو اصل توجه جدی داشت: یکی برقراری عدالت اجتماعی، یعنی تعادل و توازن در کلیه جریان‌های اقتصادی جامعه که قهراً نظام تولید و توزیع و مصرف را در بر می‌گیرد؛ و دیگر، رعایت اصل مساوات است که باعث تعدیل ثروت‌ها و توزیع یکسان بین توده مردم می‌شود. اگر این دو اصل مورد توجه قرار گیرند، جامعه هیچ‌گاه شاهد نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها و نظام طبقاتی فاحش بین مردم نخواهد شد. البته در تقسیم عادلانه ثروت امر مهم دیگری نباید مورد غفلت قرار گیرد و آن «برنامه ریزی درست و جامع» است که بی‌تردید به نظام توزیع ثروت در بین قشرهای مختلف جامعه کمک جدی می‌کند.

۴. تطهیر زمین

سیاست‌های عدالت محورانه حضرت مهدی علیه السلام و برخورد با ظلم و ستم در یک مقیاس وسیع و گسترده و جهانی است. در این سیاست، فکر غلط منطقه‌ای اندیشیدن، مقطعی دیدن، و برتری نژادی جایی ندارد. در مقابل، بسیاری از حکومت‌های بشری چنین ویژگی‌هایی را

دارند. تفکر صحیح عدالت مهدوی باعث می‌شود زمین از لوث هر اندیشه الحادی و غیر الاهی پاک و زمین احیا گردد. حضرت رضا علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: «يُطَهَّرُ اللهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جُورٍ وَيَقْدَسُهَا مِنْ كُلِّ ظَلَمٍ؛ خداوند به وسیله او، زمین را از هر جور و ستمی پاک و پیراسته می‌سازد.» (همان، ص ۳۷۱ و قندوزی، بی‌تا: ص ۵۳۷).

چهار. کارکردهای سیاسی و مدیریتی مهدی باوری

برون داد اندیشه‌های سکولار، جدایی دین از سیاست و نفی مرجعیت دین در زندگی سیاسی - اجتماعی است؛ یعنی در اداره جامعه، هیچ نقشی بر عهده دین نیست؛ زیرا اصول و بنیان‌های فکری سکولاریزم که عبارت باشد از: عقل‌گرایی (راسیونالیسم)، علم‌گرایی (تجربه‌گرایی)، انسان‌محوری (اومانیزم)، آزادی (لیبرالیسم) هدفی جز جدا کردن انسان از الاهیات و حیانی ندارد (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۹: ص ۷۶). این اندیشه اگرچه در بستر فرهنگی غرب و در آغوش مسیحیت ظهور کرده است، به جهان غرب و مسیحیت منحصر نشده، با همه ادیان الاهی، بویژه با اندیشه اسلامی در عرصه‌های فکری، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی بشدت مخالفت می‌کند.

این در حالی است که دین اسلام، جامع و پویاست و با تمام مصادیق پیشرفت و تکامل اجتماعی و فرهنگی کاملاً هماهنگ است و از بدو ظهور، تا کنون با مدیریت صحیح توانسته است تغییرات شگرفی را در زندگی بشر ایجاد کند. روزگاری که دنیای غرب در ظلمت و تاریکی بود، ثمره مدیریت جهانی اسلام، ایجاد تمدن عظیم و با شکوهی بود که قرن‌ها بشر از آن بهره مند بوده است. اسلام دینی است که براساس آموزه‌هایش، پرداختن به امور دنیا و آخرت را توأمان از بشر خواسته، ضمن توجه به عقل و علم تجربی، او را از وحی بی‌نیاز نمی‌داند و در اندیشه دینی برای اومانیزم با آن قرائت سکولاریستی جایگاهی وجود ندارد. لذا حضور دین در عرصه زندگی فردی و اجتماعی بشر از واضحات آموزه‌های وحیانی است و هیچ تردیدی در آن وجود ندارد. بر اساس سنت الاهی، ادامه و استمرار و احیای اندیشه نبوی توسط خاتم الاوصیا، حضرت مهدی علیه السلام تداوم پیدا می‌کند، و او علاوه بر این که حجت الهی است، یک منجی جهانی با برنامه‌های کلان مدیریتی برای اصلاح ساختارهای ناکارآمد

بشری، و احیای ارزش‌های دینی و اخلاقی در سطح جهان است. امام رضا علیه السلام در دو روایتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جدشان، امیرالمؤمنین نقل می‌کند، به این گسترده حکومتی اشاره دارد: «مهدی علیه السلام شرق و غرب عالم را در اختیار خود می‌گیرد» (یزدی حائری، ۱۳۵۱: ص ۱۸۱) نیز در شب معراج خداوند تبارک و متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «او [مهدی] را مالک شرق و غرب عالم می‌کنم، ... سپس حکومت او را استمرار می‌بخشم...» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۰۴). تحلیل روایت آن است که بی‌شک حکومت دین سالار مهدوی، نه تنها مردمی و جهانی به شمار می‌آید؛ بلکه «امری جدید» است که کل گستره آفرینش را در بر خواهد گرفت و سرآمد تمام مکتب‌ها و نظام‌های فکری و سیاسی جهانی و مرحله فرجامین و بهین‌ترین آن‌ها خواهد شد؛ زیرا هراس، ناامنی و بی‌عدالتی گسترده قبل از ظهور، نشان از ناکارآمدی و به بن‌بست رسیدن همه نظام‌های بشری دارد و لیبرال دموکراسی (حکومت سکولار) نیز از شمول این قاعده مستثنا نیست، ... در عصر مهدوی، جهان با احیای اسلامی جدید و نوسازی دینی مواجه خواهد شد» (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۸۲).

لذا می‌توان گفت در عرصه دین پژوهی، کارکرد حکومتی و مدیریتی دین سالار مهدوی در زندگی بشر، بسیار قابل توجه است. اگرچه برخی مدعی‌اند که دین در این عرصه هیچ نقشی ندارد و یا عده‌ای بر آنند که نقش حداقلی و فردی به آن بدهند و مهدویت را نسبت به ابعاد اجتماعی و مسائل کلان مدیریتی بیگانه تصور کنند؛ در عین حال، متفکران نیک‌اندیش با توجه به روایات و آیات، نقش و کارکرد دین را در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان، سازنده و تکامل آفرین دانسته‌اند؛ بویژه اعتقاد و باور به آخرین دولت الاهی که توسط حضرت ولی عصر علیه السلام تأسیس خواهد شد و دولت او سرآمد همه نظام‌ها خواهد بود؛ همان‌گونه که در روایت آمده است: «دولت ما آخرین دولت هاست و هیچ خاندان صاحب دولتی نمی‌ماند، مگر این که پیش از حکومت ما به قدرت می‌رسند تا وقتی شیوه ما را دیدند، نگویند ما نیز اگر به قدرتی می‌رسیدیم، مانند اینان رفتار می‌کردیم و این همان سخن خدای تعالی است که می‌فرماید: و عاقبت برای پرهیزگاران است» (صدر، ۱۴۱۲: ص ۲۸۲).

لذا آثار و پیامد مثبت دولت مهدوی را می‌توان در مقایسه با اندیشه سکولار این‌گونه بیان کرد:

۱. استفاده از تمام ظرفیت بشری با تأکید بر اندیشه دین‌سالار، به خلاف اندیشه سکولاریسم که تفکری است با اصالت فرد گرایانه و غلبه قدرت نفسانی.
۲. خدامحوری در حکومت مهدوی باعث پیوند دین و سیاست خواهد شد؛ بر خلاف اندیشه انسان محورانه که دین و سیاست ابزاری در دست انسان خواهد شد و به عبارتی واضح‌تر، دین در تفکر اومانیزم، ابزاری در دست سیاست انسانی خواهد شد.
۳. سیطره و غلبه اسلام بر کل هستی و محو و نابودی شرک و بت پرستی، یعنی نفی هر گونه تساهل و تسامح لیبرالیستی در اداره جهان؛ البته با تأکید بر اندیشه سمحه و سهله دینی.
۴. حاکمیت حجت الاهی که عنصری معصوم و منزله از گناه و دارای علم گسترده افاضی الاهی، و بستر ساز نهادینه شدن ارزش‌ها و توجه به همه ابزارهای معرفتی بشر می‌باشد؛ بر خلاف سکولاریزم که بر عقل گرایی (ابزاری) و تجربه گرایی تکیه دارد.
۵. غلبه خواست و اراده الاهی بر خواست‌های انسان گرایانه؛ بر خلاف تفکر مردم سالاری صرف و منهای دین (مردم سالاری دینی).
۶. پایه‌های حکومت مهدوی، عدالت، نجات، کمال و سعادت بشری است؛ در حالی که اندیشه‌های سکولار دارای اهداف حداقلی و انسانی صرف است.
۷. خالی بودن از هر نوع تفکر نژاد پرستانه و قومیت نگر و ملی گرایانه؛ در حالی که در حکومت‌های سکولار ملاک‌های موجود عبارتند از: برتری ثروت، نژاد، رنگ و ملیت و ملاک‌های از این نوع.

پنج- کارکردهای تاریخی

مهدویت از بدو طرح در جهان اسلام، با آموزه‌های وحیانی به همراه بشارت‌های نبوی، بر افکار و اندیشه‌های مسلمانان در طول تاریخ تأثیری فراوان گذاشت. مهدی باوری از دو جهت تاثیر گذار بود: جهت اول، نقش مثبت و سازنده نسبت به آینده و مطلوب دیدن آینده تاریخ جهان اسلام و این که این اندیشه روزی فراگیر خواهد شد، و همه تلاش‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین روزی در بستر تاریخ تحقق پیدا خواهد کرد و هستی در پرتو اندیشه‌های مهدوی هویت خواهد یافت و حتی جریان‌های فکری، فرهنگی، و سیاسی...

جهان اسلام را هدایت خواهد کرد و تابلویی الهام بخش برای همه نهضت‌های تاریخی خواهد بود. این آموزه همیشه تاریخ در نسل‌های مختلف، مثل خونی حیات بخش در میان آن‌ها ساری و جاری خواهد شد.

جهت دیگر، که روی دیگر سکه مهدی باوری است، استفاده گروهی سود جو و فرصت طلب است که با دخل و تصرف نابجا و تأویل غیر عقلانی آموزه‌های آن، در اعتقادات مردم انحراف ایجاد کرده و در صدد آسیب رساندن به این اندیشه پویای دینی بر خواهند آمد. شاهد آن، ایجاد فرق و انشعابات درونی در تفکر تشیع است؛ مثل فرقه‌های کیسانیه، زیدیه، ناووسیه و بویژه فرقه واقفیه که با امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام معاصر می‌باشد.

کشی در رجال خود می‌نویسد: «در هنگام محبوس بودن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام دو وکیل او در کوفه سی هزار دینار بابت سهم امام از شیعیان آن حضرت جمع آوری کردند و چون امام در زندان بود با آن پول برای خود خانه‌ها و چیزهای دیگر خریدند. وقتی که خبر مرگ امام را شنیدند، برای این که پول‌ها را پس ندهند، با کمال بی‌شرمی منکر مرگ امام موسی کاظم علیه السلام شدند و درباره او درنگ و توقف کردند. از آن جهت پیروان ایشان را «واقفیه» گویند (مشکور، ۱۳۷۲: ص ۴۵۵).

به هر حال، با مطالعه و بررسی در تاریخ اسلام ملاحظه می‌شود که از مسأله مهدویت، افراد و گروه‌ها برای رسیدن به اهدافشان در سه جهت استفاده کردند:

یکی، قیام‌ها و نهضت‌هایی که به نام منجی و مهدی به وقوع پیوسته است. دوم، مدعیان مهدویت و بابیت و یا کسانی که دیگران، آنان را مهدی!!! قلمداد می‌کردند. سوم، تلاش امامان معصوم علیهم السلام در بیان مفهوم صحیح مهدویت و معرفی مصداق واقعی آن برای مردم. در میان این سه جهت، عمده‌ترین کار را می‌توان تلاش برای برملا کردن نقشه فرقه‌گرایان و مدعیان دروغین و نهضت‌های جعلی مهدویت با تبیین مفهوم صحیح آن دانست. امام رضا علیه السلام در برابر این جریان انحرافی، دو مسئولیت را بر عهده گرفتند: یکی مبارزه با جریان واقفیه و افشاگری توطئه با مناظره‌ها و جلسات علمی، و استدلال به روایات نبوی و ائمه علیهم السلام؛ و دیگری معرفی مصداق واقعی مهدی علیه السلام با شیوه‌های مختلف.

امام رضا علیه السلام توجه ویژه‌ای به مسأله مهدی باوری در میان شیعیان داشتند و با روایات متعدد به تبیین ظهور فرزندش، مهدی پرداختند، که ذیلاً به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

۱. «پدر و مادرم فدای [او باد که] همانم جدم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و شبیه به موسی بن عمران است که از روشنایی انوار قدس روشنی می‌گیرد» (صدوق، ۱۴۰۵: ص ۱۱۴).^۱
۲. از حضرت سؤال شد: «مراد از قائم در خاندان شما چه کسی است؟» حضرت فرمود: «... کسی که خداوند، زمین را به واسطه او از هر گونه ظلم و ستم پاک می‌کند. او کسی است که در مورد ولادتش شک و تردید می‌شود او کسی است که قبل از قیامت غیبت خواهد کرد. وقتی ظهور کند، زمین را به نورش روشنایی می‌بخشد، و عدل و داد را بین مردم میزان قرار می‌دهد پس کسی به دیگری ظلم نمی‌کند...» (همان، ص ۳۷۱ و قندوزی، بی‌تا: ص ۵۳۷).^۲
۳. همچنین به ریان بن صلت فرمودند: «با او [مهدی]، عصای موسی و انگشتر سلیمان است. او چهارمین فرزندم است که خداوند او را تا زمانی که بخواهد، در پناه خود نهان نموده است. پس از آن، وی را آشکار کند و زمین را پر از عدل سازد. آن گونه که از جور و ستم پر شده بود.» (صدوق، ۱۴۰۵: ص ۴۷۶).
۴. عبدالسلام بن صالح هروی می‌گوید: از «دعبل بن علی خزاعی شنیدم که می‌گفت: برای مولایم رضا علیه السلام قصیده‌ای را انشا نمودم».^۳

در این هنگام، حضرت به شدت گریست. پس، سر برداشته و فرمود: ای خزاعی! این روح القدس بود که این دو بیت را بر زبان تو جاری نمود. آیا می‌دانی این امام [که در این دو بیت به او و خروجش اشاره کردی] کیست و چه زمانی خروج می‌کند؟ گفتم: خیر، ای مولای من!

۱. «أبوی و امی سمی جدی رسول الله و شبیه موسی بن عمران یتوقد من شعاع ضیاء القدس».
 ۲. «... یطهر الله به الارض من کل جور و یقدسها من کل ظلم. هو الذی یشک الناس فی ولادته و هو صاحب الغیبة قبل خروجه. فاذا خرج اشرفت الأرض بنوره و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم أحد أحداً...».
 ۳. «خروج امام لامحالة خارج یقوم علی اسم الله و البرکات // یمیز فینا کل حق و باطل و یجزی علی النعماء و النعمات».

جز این که شنیده ام، امامی از شما خروج می‌کند که زمین را از فساد پاک کرده و آن را پر از عدل می‌سازد. فرمود: ای دعبل! امام بعد از من، محمد، فرزندانم و بعد از محمد، فرزندش، علی و بعد از علی، فرزندش، حسن و بعد از حسن، فرزندش، حجت قائم منتظر است که در زمان غیبتش مورد انتظار و در هنگام ظهورش مورد اطاعت است... اما این که چه زمانی قیام می‌کند، این خبر دادن از وقت است. همانا پدرم، از پدرش، و او از پدران‌ش روایت نموده است که به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفته شد: ای رسول خدا! چه زمانی قائم از ذریه تو قیام می‌کند؟ فرمود: مَثَلُ أَنْ مَثَلُ قِيَامَتِ اسْتِ كِهْ خِدَاوَنْدِ دِرْبَارِهْ أَنْ فِرْمُودِهْ اسْتِ:

لَا يُجْلِيهَا لَوْ قَتَهَا إِلَّا هُوَ ثَقَلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا أَتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً (پورسیدآقایی و همکاران، ۱۳۷۹: صص ۱۶۱ - ۱۶۲).

کارکرد تاریخی مهدوی باوری را می‌توان چنین بیان کرد:

۱. شناخت شگردها و راه‌های فریب مدعیان دروغین در عصر غیبت، بویژه غیبت کبرا؛
۲. تبیین هشدارهای معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام برای گذار همراه با سلامت دینداران در بستر تاریخ؛
۳. دشمن شناسی و مطالعه در نقشه‌های صاحبان قدرت و مستکبران برای جلوگیری از افتادن در دام‌های شیطانی؛
۴. مطالعه ویژه در ماهیت قیام‌ها در بستر تاریخ درجهان، بویژه جغرافیای جهان اسلام برای بازشناسی نهضت‌های بستر ساز ظهور از نهضت‌های جعلی و دروغین؛
۵. استفاده از منابع صحیح و معتبر در تحلیل وقایع تاریخی.

نتیجه

جوهره کارکرد مهدی باوری، تحقق وعده الهی و حاکمیت امام مهدی عَلَيْهِمُ السَّلَام بر کل هستی و بسط و گسترش آموزه‌های وحیانی اسلام در گستره ارض است و برآیند آن تحقق ظهور حق در زمین خواهد بود و این نکته روح حاکم بر آموزه‌های مهدوی است و قابل انکار نمی‌باشد. امام رضا عَلَيْهِمُ السَّلَام در این زمینه می‌فرماید: «هو الذی ینادی یناد من السماء یسمعهُ جمیع اهل الارض بالدعاء الیه یقول: ألا ان حجة الله قد ظهر عند بیت الله فاتبعوه فان الحق معه و فیه؛

او کسی است که منادی از آسمان برای او، خطاب به همه اهل زمین می‌گوید: آگاه باشید همانا حجت الاهی نزد خانه خدا آشکار شد و از او پیروی کنید که حق با او و در اوست.» (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۳۷۲).

شبهه روایت مذکور در منابع عامه و خاصه، از پیامبر نقل شده است که فرمود: «یخرج المهدي و علی رأسه غمامة فیها منادٍ ینادی هذا المهدي، خلیفة الله فاتبعوه؛ هنگامی که امام مهدی علیه السلام قیام کنند، روی سر ایشان قطعه ابری است که ندا کننده‌ای در آن است که ندا می‌کند: این همان مهدی است که خداوند بشارت داده که خلیفه خدا است. پس، از او تبعیت و پیروی نمایید.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۰؛ خزاز قمی، ۱۴۱۰: ص ۱۵۱؛ ابن حنبل، بی‌تا: ج ۵، ص ۲۷۷ و حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۲، صص ۵۰۲ و ۶۴۶).

در هر دو روایت تبعیت مطلق از امام آمده و هیچ قیدی در آن لحاظ نشده است و جالب توجه این است که به محض این که شخصی به ظهور توجه پیدا کرد، باید این حرکت و آمادگی در تبعیت مطلق از امام شروع شود، و توجه می‌دهد که آمادگی قبل از ظهور یک ضرورت است؛ چرا که اگر آمادگی قبل از ظهور نباشد، چه بسا باعث غفلت شود و شخص از قافله حق عقب بماند و عقب ماندگی و یا جدایی از حضرت، طبعاً خسران دنیا و آخرت را به دنبال دارد؛ زیرا به فرموده حضرت رضا علیه السلام: «فان الحق معه و فیه»؛ امام عصر محور حق است، و حق از او جدا نمی‌شود. حق و امام مهدی علیه السلام قرین یکدیگرند؛ بلکه خود حضرت حق است، و حق در او تجلی یافته است و یا در روایتی - که سابقاً گذشته - تأکید شده بود که «هو القائم بالحق» (صدوق، ۱۴۲۶: ج ۲، ص ۶۸)؛ قیام‌اش به حق خواهد بود؛ یعنی حرکتی در این قیام مشاهده نمی‌شود که بیرون از دایره حق قرار گیرد. حال که «الحق معه و فیه» و این که «قیام او به حق» خواهد بود، نمی‌توان تصور کرد چنین اندیشه اصیل که دارای پشتوانه و مبانی مستحکمی است، بدون کارکرد باشد، و این، یعنی تحقق همه کارکردهای مهدی باوری و آن نوید تجلی حق و حق مداری در گستره زمین است که در پرتو آن، همه هستی، اعم از جمادات، نباتات و حیوانات بویژه انسان‌ها سامان می‌یابند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
۱. نهج البلاغه.
 ۲. ابطحی اصفهانی، سید محمد باقر، *جلوه‌های مهدوی در کلمات رضوی*، ترجمه سید محمد سجادی اصفهانی، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
 ۳. ابن حنبل، احمد، *مسند احمد*، بیروت: دارالصادر، بی تا.
 ۴. اخوان کاظمی، بهرام، آموزه مهدویت و لیبرال دموکراسی، *مجموعه مقالات دومین همایش دکترین مهدویت*، ج ۱، قم: مؤسسه آینده روشن، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
 ۵. پورسید آقایی و همکاران، *تاریخ عصر غیبت*، قم: انتشارات حضور، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله، *امام مهدی موعود موجود*، قم: نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
 ۷. حاکم نیشابوری، حافظ ابی عبدا...، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
 ۸. حرانی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه، *تحف العقول*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
 ۹. حکیمی، محمد، *عصر زندگی*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
 ۱۰. خزاز قمی، علی بن محمد، *کفایة الاثر فی نص علی الائمة الاثنی عشر*، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.
 ۱۱. داودپور، مرتضی، *نقش انتظار در کاهش ناهنجاری اجتماعی*، *مجموعه مقالات دومین همایش دکترین مهدویت*، ج ۱، قم: مؤسسه آینده روشن، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
 ۱۲. ربانی گلپایگانی، علی، *ریشه‌ها و نشانه‌های سکولاریزم*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
 ۱۳. سلیمی، علی؛ داوری، محمد، *جامعه شناسی کج روی*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ ش.
 ۱۴. شاکری، روح...، *مهدویت در چشمه سار رضوی*، *فصلنامه انتظار موعود*، شماره ۳۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ ش.
 ۱۵. صافی گلپایگانی، لطف...، *منتخب الاثر*، قم: انتشارات حرم حضرت معصومه علیها السلام، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
 ۱۶. صدر، سیدمحمد، *تاریخ مابعد الظهور*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲ ق.
 ۱۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین، *عیون اخبار الرضا*، دو جلدی، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ش.
 ۱۸. — *عیون اخبار الرضا*، بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ ق.

۱۹. — کمال الدین و تمام النعمه، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، *امالی*، قم: دارالثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۱. — *الغیبه*، قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۲۲. عطاردی، عزیزا...، *مسند امام رضا علیه السلام*، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ق.
۲۳. فقیه ایمانی، مهدی، *مهدویت از دیدگاه نهج البلاغه*، قم: دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۲۴. قدردان قراملکی، محمدحسن، *کارکرد دین در انسان و جامعه، فصلنامه قیسات*، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۸۲ش.
۲۵. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینایع الموده*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت: دارالوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۸. مریجی، شمس ا...، *تبیین جامعه شناختی واقعه کربلا*، قم: مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ش.
۲۹. مشکور، محمد جواد، *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۲ش.
۳۰. مفید، محمد بن محمد نعمان، *الارشاد*، قم: مکتبه بصیرتی، بی تا.
۳۱. موسوی اصفهانی، محمدتقی، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، دو جلدی، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، قم: ایران نگین، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۳۲. نعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.
۳۳. یزدی حائری، علی، *الزام الناصب*، تهران: بی تا، چاپ اول، ۱۳۵۱ش.
۳۴. یوسفیان، حسن، *کلام جدید*، قم: مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.